

## نیاز و نیازمندی از منظر روانشناسی و اسلام

مجتبی امامی<sup>۱</sup>

### چکیده

نیازهای انسانی عامل اصلی انگیزش‌های درونی، حرکت و تعالی انسان است. انسان دو دسته نیازهای مادی و معنوی دارد که یا مربوط به جسم است یا مربوط به روح و روان. برخی روانشناسان به وجود نیازهای معنوی انسانی به گونه‌ای فراتر از نیازهای مادی تأکید کرده‌اند. اصالت روح، آگاهی از نیازهای اساسی روحی و پاسخ معقول و منطقی به آن که بنیان شخصیت سالم انسان را شکل می‌دهد، از مبانی این گروه است. از آنجا که دین اسلام خدا محور است و انسان نیز باید خدا محور باشد، بنابراین حقیقت نیازهای او نیز تفسیری خدامحورانه دارد. در قرآن انسان‌ها به فقر ذاتی به خداوند متصف، و در وجود و حیات به او محتاج هستند. تنها راه رسیدن انسان به بی‌نیازی، درک شهودی فقر و نیازمندی به خداست و این‌که تنها با اراده‌ی او بی‌نیاز خواهد شد. در اسلام هدف از زندگی شکوفا شدن استعدادهای بالقوه انسانی می‌باشد که به دنبال تأمین نیازهای واقعی محقق می‌شود. اسلام میان دو دسته از نیازهای جسمی و روحی انسان، ارتباطی متعادل برقرار کرده به طوری که در آن تأمین نیازهای معنوی، هدف اصلی فعالیت‌های زندگی بوده و تأمین نیازهای مادی همسوی با آن صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: انسان، نیاز، فقر، انگیزش، اسلام، روانشناسی.

---

<sup>۱</sup>. استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

## مقدمه

در انسان، حقیقتی به نام «نیاز» وجود که منشأ فعالیت‌های او می‌باشد. این نیاز خود سبب انگیزش‌هایی است که انسان را به سوی کمال هدایت می‌کنند، به رفتار او جهت داده و در نهایت موجب تعادل روانی و آرامش فرد می‌گردند. انسان، هم در اصل وجود خود و هم در بقای آن، همواره نیازمند است و زندگی او تلاش و جوشی است در جهت رفع این نیازها. این نیازها آن قدر گوناگون و پیچیده هستند که ارضای کامل همه آنها تا حدودی ناممکن است. ارمغان جامعه صنعتی و رفاه‌زده امروزی تنها تأمین نیازهای مادی بشریت و غفلت از اساسی‌ترین نیازهای انسانی اوست. تنها راه‌هایی از این وضعیت، شناخت صحیح ماهیت انسان و نیازهای اصیل و متعالی روحانی او و ارضای صحیح و منطقی آنها می‌باشد. این مقاله با بیان این که انسان موجودی ذاتا و به صورت فطری نیازمند است به بررسی ماهیت و چگونگی این نیازها و ابعاد گوناگون آن می‌پردازد. طرح نیازهای محوری و اساسی انسان از دیدگاه روانشناسی از مسایل این نوشتار است.

جوهر و اساس اسلام هدایت انسان بر اساس نیازهای واقعی و فطری او می‌باشد. در خصوص نیازهای انسانی و چگونگی ارضای آن از دیدگاه اسلام و قرآن، مقالات ارزشمند بسیاری در حوزه اسلامی به نگارش درآمده است که در جای خود قابل طرح است. لکن مقصود اصلی در این نوشتار، پس از مطرح نمودن دیدگاه‌های دینی و روانشناسی و فهرست بندی نیازها بر اساس مبانی اتخاذ شده، بررسی مقایسه‌ای و سپس بیان همسانی و ناهمسانی دو دیدگاه خواهد بود.

## نیاز از دیدگاه روانشناسان

از آنجا که نیاز انگیزه‌ی رفتار انسان است و موضوع علم روانشناسی بررسی و مطالعه رفتارها، به این سبب روانشناسان انگیزه‌های رفتاری را تحت عنوان «انگیزش» بررسی و بر اساس مبانی انسان‌شناختی خود، مجموعه‌ای از نیازهای انسان را ارائه کرده‌اند. در روانشناسی، نیاز «عبارت است از حالت محرومیت، کمبود و فقدان در ارگانیزم»<sup>۱</sup>. کمبودهایی مانند غذا، آب، اکسیژن که برای ادامه زندگی موجود زنده ضروری باشد، نیاز نامیده می‌شود. در تعریفی دیگر، نیاز عبارت است از نیرویی که از ذهنیات و ادراک آدمی سرچشمه می‌گیرد و اندیشه و عمل را چنان تنظیم می‌کند که فرد به انجام رفتاری می‌پردازد تا وضع نامطلوب را در جهتی معین تغییر دهد و حالت نارضایتی را به رضایت و ارضای نیاز تبدیل کند. برخی از روانشناسان وجود انسان را کاملاً مادی دانسته‌اند که نتیجه‌ی فرآیند وراثت است؛ گروهی انسان را موجودی اجتماعی و دستاورد محیط دانسته و نیازهای او را در همین حد شمرده‌اند؛ اما گروهی دیگر او را وجودی دارای ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی می‌دانند و بر این مبنا، نیازهایش را تنظیم و بیان نموده‌اند. طبقه بندی نیازها در نظریه‌های

---

<sup>۱</sup>. شکلیاپور، ص ۱۱۳.

بسیاری از روان‌شناسان، به خصوص انسان‌گراها و وجودگراها به اشکال مختلف دیده می‌شود. در این جا تنها نظرات چند روانشناس مطرح در خصوص نیازهای انسان به اختصار ذکر می‌گردد:

#### ۱. مزلو (Maslow)

مزلو روان‌شناس انسان‌گرای امریکایی نیازهای انسان را در دو بعد زیستی و روانی بر اساس سلسله مراتب پنج‌گانه، شامل نیازهای «فیزیولوژیک»، «ایمنی»، «عشق و محبت»، «عزت نفس» و «خودشکوفایی» مطرح کرد. فیزیولوژیک مانند تنفس، غذا، آب، خواب؛ ایمنی مانند امنیت جسمی، سلامت، دارایی؛ علاقه و محبت مانند دوستی، خانواده؛ عزت نفس مانند اعتماد بنفس، مورد احترام قرار گرفتن؛ و خود شکوفایی مانند خلاقیت، حل مشکلات، اخلاق، پذیرش واقعیات. از منظر او نیازهایی که در مراتب پایین‌تر قرار دارند، نیرومندتر، فراگیرتر و تأثیرگذارتر در رفتار انسان هستند و در فرایند رشد نیز زودتر بروز و ظهور دارند. ابتدا باید این نیازها در حد مطلوبی ارضا شده سپس نیازهای عالی که قوت کمتری دارند، ظاهر شده و ارضا شوند.<sup>۱</sup>

زمانی که فردی چهار مرتبه اولیه نیاز را ارضا کرد، مرتبه نهایی رشد، که مازلو آن را «خود شکوفایی» می‌نامد، فرا می‌رسد. افراد خودشکופا تمام نیازهای در چهار سطح نخست سلسله مراتب نیازها را ارضا کرده‌اند. رفتار افراد خود شکופا به عنوان نتیجه و پیامد، به وسیله مجموعه جدیدی از نیازها، که مازلو آن را «نیازهای بودن» انگیزش بودن یا انگیزش والا می‌نامد، برانگیخته می‌شوند. این انگیزه‌های بودن ارزش‌هایی همچون حقیقت، صداقت و راست‌گویی، زیبایی و خوبی و نیکی هستند و آن‌ها به زندگی افراد خودشکופا معنا می‌بخشند. درک بهتر واقعیت؛ پذیرش خود، دیگران و طبیعت؛ خودانگیختگی و خودجوشی؛ مسأله‌مداری؛ تجربه عرفانی یا احساس عمیق؛ حس همدردی نسبت به نوع بشر؛ روابط صمیمی بین فردی؛ خلاقیت و آفرینندگی از جمله شاخصه‌های افراد خود شکופا در دیدگاه مازلو می‌باشد.<sup>۲</sup>

#### ۲. گلاسر (Glasser)

گلاسر روانشناس امریکایی بر این باور است که رفتارهای انسان همان انتخاب‌های او برای ارضای نیازهایش است. این رفتارهای هدفمند بیش‌تر از انگیزه‌های درونی ریشه می‌گیرند تا عوامل و محرک‌های بیرونی. بنابراین باید آن‌گونه انتخاب کنیم که نیازهایمان را به بهترین شکل برآورده کنیم. این نظریه به «تئوری انتخاب» شهرت دارد که بر مبنای آن انسان دارای پنج نیاز اساسی است:

نیاز به بقا: تمام نیازهای جسمانی ضروری مانند نیاز به غذا، آب، هوا و سرپناه و پوشاک و نیاز به تأمین امنیت برای ادامه زندگی را شامل می‌شود. نیاز به محبت و احساس تعلق: نیاز به احساس تعلق و پیوند

<sup>۱</sup>. راس، ص ۱۳۲.

عاطفی داشتن با دیگر افراد، نیازی است که در همه انسان‌ها وجود دارد. در مفهوم سلامت روانی گلاسر به اهمیت روابط متقابل بین افراد تأکید دارد و نیاز به تعامل با دیگران و داشتن رابطه صمیمانه را یکی از نیازهایی می‌داند که باعث صدور رفتار در انسان می‌گردد. نیاز به قدرت: این نیاز متمایز و مشخص، نیاز به کسب قدرت از جمله قدرت جسمی، ثروت، تأثیرگذاری... و به طور کلی نیاز به توانایی و برتری جویی در کارهاست. نیاز به آزادی: آزادی نیازی است که انتخاب را برای انسان میسر می‌کند. مثل انتقال یا مهاجرت از جایی به جای دیگر برای ابراز آزادانه خویشتن، یا احساس خودمختاری درونی و باطنی به طوری که از کنترل‌های بیرونی رها باشیم. نیاز به تفریح: لذت و تفریح یک نیاز اساسی است و نوعی پاداش ژنتیکی است که در ازای یادگرفتن و آموختن دریافت می‌کنیم. ما تنها موجوداتی هستیم که می‌خندند و احتمالاً تنها موجوداتی که آگاهانه به دنبال لذت و تفریح هستند.<sup>۱</sup>

### ۳. فرانکل (Frankl)<sup>۲</sup>

ویکتور فرانکل روانشناس اگزیستانسیالیست با تأثیر از فلسفه وجودی، ماهیت انسان را متشکل از سه بعد جسم، روان و روح می‌داند که جسم و روان همچون لایه‌ای محور شخصیت، یعنی روح را احاطه کرده‌اند. بخش فعال وجود انسان، روح است، پس باید به شناخت این بعد اصیل و نیازهای ویژه آن پرداخت. آگاهی از نیازهای ساحت روحانی انسان و چگونگی پاسخ به آنها با توجه به اینکه فرانکل اصالت انسان را به روح داده و ماهیت او را ساخته و پرداخته خویشتن وی می‌داند، می‌تواند در معماری هر چه زیباتر این ماهیت، یعنی انسان سالم، یاری‌گر او بوده و در کاهش مشکلات و ناهنجاری‌های رفتاری او نقش مؤثری داشته باشد. وی اصلی‌ترین نیازهای روحی انسان را نیاز به معنا، نیاز به پویایی اندیشه، نیاز به تعالی خویشتن، نیاز به جاودانگی، نیاز به دین و نیاز به گروه دوستی عاطفی می‌داند.

نیاز به معنا: انسانی‌ترین انگیزش و حقیقتی انکارناپذیر در زندگی انسان است و نمی‌توان بدون اعتقاد به آن، زندگی را به سلامت ادامه داد. فرانکل در این باره می‌گوید:

---

۱. گلاسر، نظریه انتخاب، صص ۳-۶۲.

۲. فرانکل ۱۹۰۵-۱۹۹۷ روانپزشک و عصب شناس اتریشی و پدید آورنده‌ی معنادرمانی لوگو‌تراپی بود. معروف‌ترین کتاب او، انسان در جستجوی معنا، روایت تجربیات او در دوران فاجعه‌باری است که به عنوان یک یهودی در اردوگاه‌های کار اجباری آلمان نازی حضور داشت و در خلال آن، به اهمیت معنای زندگی برای انسان در سخت‌ترین شرایط می‌پردازد.

«تلاش در یافتن معنایی در زندگی، خود نیرویی اصیل و بنیادی است، و نه توجهی ثانوی از کشش‌های غریزی او. این معنا منحصر به فرد، و ویژه‌ی خود اوست و از این رو این اوست.»<sup>۱</sup> وی در تفاوت میان انسان و حیوان بر این باور است که حیوان هرگز پرسش از معنا ندارد و انسانی هم که پرسشی از معنا نداشته باشد فقط در محدوده زیست‌شناختی خود گام برمی‌دارد؛ (آنجا که هیچ تفاوتی میان او و حیوان نیست) و در یک نگاه تکاملی داروینی با اجداد حیوانی خود در این زمینه، قرابت نزدیکی دارد.<sup>۲</sup>

نیاز به تنش (پویایی اندیشه‌ای): از نظر فرانکل تنش لازمه زندگی است؛ «تنش» بین آنچه بدان دست یافته و آنچه باید بدان تحقق بخشد. یعنی نیروی محرکه روحانی میان میدانی از تنش که در یک قطب آن معنا، و در قطب دیگر فردی که باید بدان معنا تحقق بخشد وجود دارد. زندگی انسان که همواره در حال «شدن» و نه «بودن» صرف است، نیازمند میزان بهینه‌ای از تنش می‌باشد؛ نوعی تنش که میان انسان بودن از یک سو، و معنا و هدفی که او مجبور به تحقق بخشیدن به آن است، از سوی دیگر قرار می‌گیرد و همواره او را به سمت تکامل و بهتر شدن سوق می‌دهد.<sup>۳</sup> امروزه بشر با قرار دادن خود در موقعیت‌های رقابتی و مسابقات، از جمله مسابقات ورزشی به طور موقت برای خود تنش فراهم می‌کند.

نیاز به تعالی خویشتن: یکی از نیازهای روحی انسان از خود فرا رفتن (تعالی خویشتن) و در واقع، تبیینی دیگر از معناجویی انسان است. فرانکل، گوهر هستی انسان را در از خود برگزیدن می‌داند. و انسان را به همین دلیل، موجودی «از خود فرارونده» معرفی می‌کند.<sup>۴</sup> وی بر این باور است که لذت و قدرت هیچ‌یک هدف زندگی و معنابخش آن نیستند و هر چه آنها را بیشتر هدف قرار دهیم سرخورده شده بیشتر از آن دورتر می‌شویم. انسان همواره به جای توجه به لذت و شادمانی درونی باید متوجه چیزی یا کسی غیر از خود بوده و با فرا رفتن از خود و ایجاد رابطه نزدیک و مؤثر با جهان و دیگران، به معنای مورد نظر خود دست یابد.<sup>۵</sup>

نیاز به ابدیت و جاودانگی: فرانکل با بهره‌گیری از مبانی فلسفه وجودی، از میل انسان به ابدیت تبیینی خوش‌بینانه ارائه می‌کند. از نظر او حالت گذرای هستی انسان نباید موجب نگرش بدبینانه به زندگی شود، بلکه توجه به همین گذرا بودن است که مسئولیت و انتخاب‌گری انسان را معنادار می‌کند. هر چند همه چیز و همه کس ناپایدار است، اما در عین حال همه چیز جاودانه است. انسان نیز به عنوان بخشی از این جهان

---

۱. فرانکل، انسان در جستجوی معنا، ص ۱۴۵.

۲. پوریزدی، «ویکتور امیل فرانکل بنیانگذار معنا درمانی»، ص ۱۴۵.

۳. فرانکل، انسان در جستجوی معنا، صص ۱۶۱-۱۵۹.

۴. همو، انسان در جستجوی معنای غایی، ص ۵۳.

۵. همان، ص ۱۳۴.

می‌تواند وجود خود را ابدی کند. این توانایی بیانگر نیازمندی بعد روحانی اوست که ارضای صحیح آن موجب امنیت و خاطر او می‌گردد. کسی که فعالانه زندگی می‌کند، مثل آدمی است که هر برگی از تقویم را که می‌کند، پس از اینکه ابتدا پشت آن را چند خط یادبود می‌نگارد، آن را با نظم و دقت به برگ‌های کنده شده قبلی می‌افزاید. او می‌تواند با غرور و شادمانی تمام غنایی را که در این یادداشت‌ها وجود دارد و تمام زندگی خود را که به کمال زیسته است، منعکس کند.<sup>۱</sup>

نیاز به دین: بر اساس «معناجویی» به عنوان اصلی‌ترین انگیزش انسان، فرانکل نیاز به دین را نیز در امتداد همین نیاز انسانی معنا می‌کند. «دین، یعنی جست‌وجوی انسان برای یافتن معنای غایی در زندگی.»<sup>۲</sup> فرانکل دین را تحقق خواست انسان برای دستیابی به «معنای غایی.» در زندگی تعریف می‌کند. که ماورای توانایی درک و فهم بشر قرار می‌گیرد.<sup>۳</sup> دین پدیده‌ای انسانی و کاملاً شخصی است که انسان با آزادی تمام آن را می‌پذیرد و به همین دلیل، انسان در برابر آن مسئول و پاسخگوست. او همیشه رابطه‌ای با «تعالی» هر چند فقط در سطح ناخودآگاه دارد. این موجود متعالی که انسان همواره با او در ارتباط است «خدای ناخودآگاه» نام دارد.<sup>۴</sup>

نیاز به گروه دوستی عاطفی: نیاز انسان به ارتباط با جامعه نیز در طول نیاز به معناجویی بوده و قابل ادراک است. آدمی برای حفظ آزادی و مسئولیت خود نیازمند تعامل با جامعه است؛ به طوری که در پیوستن با غیر خود می‌تواند به معنای بسیار عمیق زندگی دست یافته، در اجتماع ارزشمند شده و مسئولیت‌پذیری خود را غنا بخشد. هنگامی که انسان در مقام یک فرد دست به انتخاب می‌زند که عضوی از یک جامعه باشد، بر مسئولیت خویش می‌افزاید؛ مسئولیت ساختن جامعه و فرهنگ، مسئولیت انتخاب شکل زندگی معنادار و حتی انتخاب شکل مردن.<sup>۵</sup>

### نیاز از دیدگاه اسلام

اسلام، نیاز انسان را بسیار بالاتر و گسترده‌تر از روان‌شناسان غربی مطرح کرده است که در این قسمت به آن خواهیم پرداخت. واژه «فقر» معادل «نیاز» است که در آیات قرآن آمده است. اصل فقر در لغت، یعنی کسی که مهره‌ی پشت او شکسته باشد یعنی دچار حادثه‌ای شده و مهره‌اش شکسته است.<sup>۶</sup> در کتاب *مفردات* راغب

۱. فرانکل، انسان در جستجوی معنا، صص ۲-۱۹۱.

۲. همو، انسان در جستجوی معنای غایی، ص ۱۲.

۳. همو، انسان در جستجوی معنا، ص ۱۸۷.

۴. همو، انسان در جستجوی معنای غایی، ص ۶۰.

۵. پوریزدی، «ویکتور امیل فرانکل بنیانگذار معنا درمانی»، ص ۱۴۰.

۶. راغب اصفهانی، *مفردات*، ص ۶۲۲.

فقر در این معنا به کار می‌رود: ۱- وجود نیاز ضروری. ۲- عدم کسب و دستاورد. ۳- فقر نفس یعنی حرص و طمع. ۴- فقر به خداوند، که در حدیث حضرت (ص) به آن اشاره شده است: «خدایا! مرا به فقر و نیاز به سوی خودت غنی ساز و مرا به بی‌نیازی از خودت فقیر مساز». و این آیه به همین مطلب توجه دارد: رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ<sup>۱</sup> پروردگار من به هر خیری که به سویم بفرستی سخت نیازمندم.<sup>۲</sup>

از آن‌جا که دین اسلام توحیدی و «خدا محور» است و انسان نیز باید خدا محور باشد، بنابراین نیازهای تکوینی و تشریحی او نیز بر اساس خدا محوری است. همه‌ی آفریده‌ها از جمله انسان به فقر ذاتی به خداوند موصوفند، چون در وجود و حیات به او محتاج‌اند و تنها به فیض وجود اوست که چیزی وجود دارد؛ احساس نیازمندی به خداوند و نیاز به او و نه هیچ‌کس دیگر، اولین پله‌ی ایمان است؛ و هرگاه این احساس در بنده فروکش کند، ایمان هم نزد او فرو می‌کاهد؛ و هرگاه رشد یابد، به طوری که تنها وجود خداوند را حس کند و برای خود موجودیتی قائل نباشد، آن وقت در اولین درجه‌ی فقر گام نهاده است و راه راست به سوی خداوند برای او روشن خواهد گشت. بنابراین می‌توان گفت تنها راه رسیدن انسان به خداوند درک حقیقت فقر و نیازمندی و این که تنها به واسطه‌ی او بی‌نیاز می‌گردد، خواهد بود.

قرآن کریم می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ<sup>۳</sup>؛ ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است. بیان علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه چنین است: اینجا در مقام تقابل است و ناظر به امور دیگر نیست؛ یعنی هر فقری تنها در شماس است و هر گونه بی‌نیازی تنها در خداست؛ یعنی در شما چیزی جز فقر نیست؛ و در خداوند چیزی جز بی‌نیازی نیست. بویژه با توجه به آیه بعد: إِنَّ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ<sup>۴</sup> می‌خواهد بگوید شما مخلوق و تحت تدبیر خدا، و سراسر محتاج اوید و وجود شما سراسر فقر و نیاز است و وجود خداوند سراسر بی‌نیازی و غنی. بدین سان مقصودش از شما، هر مخلوقی است که آفریده و تحت تدبیر خداست؛ نه صرفاً انسانهایی که بالفعل مخاطب آیه شده‌اند... برخی گفته‌اند با این تعبیر (الناس) می‌خواهد صرفاً شدت فقر و نیاز آنان را برساند، نه این که فقیر بودن را از دیگر موجودات نفی کند.<sup>۵</sup>

۱. قصص/۲۴

۲. پیشین، ص ۶۲۲

۳. فاطر/ ۱۵

۴. ابراهیم/ ۱۹

۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، صص ۴-۳۳

## انواع نیازها

نیازهای انسانی را می‌توان به چند اعتبار تقسیم نمود:

الف. نیازهای انسان را می‌توان به «نیازهای واقعی و نیازهای غیر واقعی» تقسیم کرد. نیازهای واقعی، نیازهایی هستند که از واقعیت‌های عینی نشأت می‌گیرند و مقابل آن، نیازهای کاذب است که منشأ آن پندارها و تخیلات انسانی است. دین برای برطرف کردن نیازهای حقیقی انسان نازل شده نه نیازهایی که انسان تخیل کرده و خود را محتاج آن می‌بیند. نیازهایی از نظر دین واقعی می‌باشد که ارضای آنها باعث فعلیت یافتن استعدادهای فطری و باعث رسیدن انسان به مقام بلند «خلیفه الهی» می‌گردد. در تفاوت نیازهای واقعی با نیازهای کاذب می‌توان گفت که هدف از زندگی شکوفا شدن استعدادهای بالقوه انسان‌هاست که به دنبال تأمین نیازهایی محقق می‌شود که ما آن‌ها را «نیازهای واقعی» می‌نامیم. ارضای نیازهایی که نقشی در شکوفا شدن استعدادها ندارند «نیازهای کاذب یا غیرواقعی» خوانده می‌شوند. در قرآن خداوند خالق هدف انسان را از تأمین نیازها، شکوفایی استعداد لقای پروردگار در آخرت می‌داند: «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا<sup>۱</sup> و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن. قرآن نیازهای کاذب و غیرواقعی انسان را موجب فساد کلی جهان هستی، از جمله خود انسان‌ها، می‌داند: وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ...<sup>۲</sup> و اگر حق از هوسهای آنها پیروی می‌کرد قطعاً آسمانها و زمین و هر که در آنهاست تباہ می‌شد...

مراد از هوس که همان نیازهای کاذب است، خواسته‌هایی است که هیچ‌گونه اثری در فعلیت یافتن استعدادهای اصیل انسان ندارد و تنها اثر آن تباہی زمین و آسمان و هر آنچه در آنهاست، می‌باشد. با تفسیر آیه ۷۱ سوره مؤمنون معلوم می‌شود که مراد از ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ...<sup>۳</sup> همان هوس‌های مردم است.<sup>۴</sup>

ب. از سویی دیگر نیازهای انسان را به «نیازهای اولیه و ثانویه» تقسیم می‌گردد. نیازهای اولیه نیازهایی است که از عمق ساختمان جسمی و روحی انسان و از طبیعت زندگی اجتماعی انسان سرچشمه می‌گیرد. نیازهای ثانویه نیازهایی‌اند که از نیازهای اولیه ناشی می‌شوند. نیاز به وسایل متنوع زندگی از این نوع است. نیازهای

۱. قصص/۷۷

۲. مؤمنون/۷۱

۳. روم/۴۱

۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۱۵، صص ۷-۴۶.



اولیه، محرک بشر به سوی کمال است، اما نیازهای ثانویه ناشی از تکامل زندگی است و در عین حال محرک به سوی کمال بالاتر است. نیازهای اولیه همیشه وجود دارد و هیچ گاه کهنه نمی‌شوند و از بین نمی‌روند. اما نیازهای ثانویه ممکن است تغییر کنند و کهنه شوند و از بین بروند. اما بعضی از آن‌ها همیشه زنده و نو هستند؛ مثل نیاز به قانون که ناشی از نیاز به زندگی اجتماعی است.<sup>۱</sup>

ج. هم‌چنین با توجه به ابعاد روحی و جسمی انسان، دو دسته «نیازهای مادی و معنوی» وجود دارد که یا مربوط به روح و روان انسان هستند یا مربوط به جسم او. نیازهای معنوی که بعد از ارضای نیازهای مادی اساسی بدن ظاهر می‌شوند معیار و ملاک انسانیت شمرده می‌شوند. برای این ظهور، رسیدن به سن خاصی مطرح نیست.<sup>۲</sup> انسان‌ها چاره‌ای جز ارضای نیازهای مادی خود ندارند. لکن مهم چگونگی ارتباط بین این دو دسته از نیازها و ارضای آنها می‌باشد؛ یعنی این‌که چگونه باید نیازهای معنوی را محور زندگی قرار داد و نیازهای مادی را در پرتو آن نیازهای معنوی ارضا کرد.

ارضای نیازهای مادی در اسلام تحت ضابطه خاصی قرار دارد. از نظر قرآن بهره‌مندی نعمت‌ها برای کافر و مسلمان هر دو مهیاست، با این تفاوت که کافران همچون حیوانات به آن نظر می‌کنند: ...وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ<sup>۳</sup> و [حال آنکه] کسانی که کافر شده‌اند [در ظاهر] بهره می‌برند و همان گونه که چارپایان می‌خورند می‌خورند و [لی] جایگاه آنها آتش است. ولی مسلمان که نگرشی الهی دارد خود را در دایره‌ی نیازهای مادی محدود نمی‌سازد. دستیابی به قرب الهی و تأمین نیازهای معنوی و قرار گرفتن در مسیری که به این هدف ختم می‌شود وظیفه هر انسان مسلمان است. در ادامه مهم‌ترین نیازهای معنوی انسان با عنوان نیازهای فطری ذکر می‌گردد.

## نیاز و فطرت

اگر بخواهیم درباره حقیقت نیاز سخن بگوییم، نمی‌توانیم موضوع فطرت را نادیده بگیریم. حقیقت فطرت همان نیازمندی است. نیاز منشأ تمام حرکات کمال‌طلبانه انسان است. در واقع فطرت انسانی که همان جوهر وجودی او می‌باشد سبب پویایی و حرکت در انسان می‌گردد. منشأ تمام گرایش‌ها و تمایلات فطری انسان همان نیازهای درونی اوست. در آیه فطرت خداوند متعال می‌فرماید: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ<sup>۴</sup> پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است آفرینش خدای

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، صص ۴-۱۸۳

۲. همان، ص ۴۹۱

۳. محمد/۱۲

۴. روم/۳۰

تغییرپذیر نیست این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. اصلی‌ترین نیازهای فطری انسان که مقدس نیز هستند در متون کلامی اندیشمندان اسلامی آمده است و از این قرار است: ۱. حقیقت جویی ۲. گرایش به خیر و فضیلت ۳. گرایش به جمال و زیبایی ۴. گرایش به خلاقیت و ابداع ۵. عشق و پرستش.<sup>۱</sup> تفصیل این نیازها از این قرار است:

۱. نیاز به حقیقت: یکی از نیازهای اصیل انسان نیاز به علم و شناخت واقعیت‌های عالم است. این نیاز که از کودکی بروز و ظهور دارد تا پایان عمر از انسان جدا نمی‌شود. نفس علم که وسیله‌ای برای زندگی بهتر است، خود مطلوب انسان و لذت آور است. «علم دوستی و حقیقت جویی، نقش چشمگیر خود را در تأمین نیازها و اشباع سایر تمایلات ایفا می‌کند. وقتی انسان به این حقیقت توجه کرد که نیازهایش بوسیله چیزهایی تأمین می‌شود که قبلاً باید آن‌ها را بشناسد، حقیقت جویی و علم دوستی وی جهت مشخص خود را پیدا می‌کند و انسان می‌فهمد که به دنبال شناخت و آگاهی یافتن از چه چیزهایی باید باشد».<sup>۲</sup>

۲. نیاز به فضایل اخلاقی: یکی دیگر از نیازهای فطری انسان فضایل و ارزش‌های اخلاقی از قبیل عدالت، صداقت، امانت داری، وفای به عهد و... است که گرایش به آن در همه افراد نوع انسان وجود دارد. انسان نیاز به انجام افعال خیر دارد ولی نه از آن جهت که نیازی از نیازهای مادی او را برطرف و یا زیانی مادی را از او دفع می‌کند بلکه از آن جهت که آن امور خیر است و با فطرت او سازگاری دارد. انسان موجودی است که به انواع تراحم‌ها مبتلا است. یک قسم تراحم‌هایی است که میان خواسته‌ها و اوصاف نفسانی وجود دارد. به عنوان مثال از یک سو حس امانت طلبی دارد و از امین و صادق بودن لذت می‌برد ولی از سوی دیگر خوی آز و حرص و فزون طلبی هم در نهان او هست. این دو گونگی مایه‌ی تراحم و منشأ نیاز انسان به اخلاق است.<sup>۳</sup>

۳. نیاز به جمال و زیبایی: یکی دیگر از نیازهای فطری انسان نیاز به زیبایی و جمال است. انسان زیبایی را دوست دارد و آن را برای همه شئون زندگی خود می‌پسندد. همه چیز از شکل و ظاهر خود گرفته تا مناظر مقابل دیدگان باید از هر جهت زیبا باشد. از منظر قرآن تمام زیبایی‌هایی که در طبیعت موجود است به خداوند نسبت داده شده است.<sup>۴</sup> تمایل و نیاز به زیبایی‌هایی طبیعی موجب رغبت و محبت به خداوندی می‌شود که جمال مطلق و تأمین کننده این نیاز انسانی است. زیبایی‌های معنوی نوع دیگری از زیبایی است که به دلیل سنخیت و نزدیکی با روح انسان، مورد تاکید و تشویق دین است و به آن توجه خاصی بمراتب

۱. مطهری، فطرت، صص ۸۵-۷۴

۲. مصباح یزدی، ج ۲، صص ۷-۱۰۶

۳. جوادی آملی، ج ۱۰، صص ۱۶۱، ۱۵۹

۴. نمل/۶۰

بیشتر از زیبایی مادی شده است. امام حسن عسکری(ع) در ترجیح این نوع از زیبایی می‌فرماید: حُسْنُ  
الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ فرمود: زیبایی صورت جمال ظاهری است و زیبایی عقل  
جمال باطنی.<sup>۱</sup>

۴. نیاز به خلاقیت و نوآوری: انسان نیازمند آفرینش و نوآوری است؛ یعنی خلق کند و چیزی را که وجود  
ندارد به وجود آورد. از آنجا که انسان مخلوق خداوند است و خداوند او را به مانند خود آفریده است، همه  
انسان‌ها از قوه خلاقیت برخوردارند و رفع نیاز فطری خود را در تشبه به خالق خود می‌بینند. نیاز به خلاقیت  
و نوآوری همانند علم و آگاهی هم وسیله‌ای برای رفع دیگر نیازهای زندگی اوست است و هم خود برای  
انسان به صورت فطری مطلوب ذاتی است.

۵. نیاز به پرستش: از نیازهای فطری انسان پرستش و خضوع در برابر موجودی کامل و متعالی است. در میان  
نیازهای معنوی مذکور، بالاترین آن نیاز به تسلیم در برابر خداوند تعالی است و نیازهای دیگر در مراتب بعد  
و با مراجعه به این نیاز معنا پیدا می‌کنند. شیوه ارضای این نیاز ابراز محبت نسبت به پروردگار و خضوع  
کامل در برابر اوست. خداوند در قرآن می‌فرماید: فَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا  
لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَالِكِ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.<sup>۲</sup> پس روی خود را به سوی آیین پاک اسلام  
بیاور، این، فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده است دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است  
دین محکم و استوار، اما اکثر مردم نمی‌دانند.

البته باید به این امر توجه داشت که گرایش به حقیقت همان نیازمندی انسان به علم است. گرایش به  
فضیلت همان نیاز به فضیلت و اخلاق است و گرایش او به پرستش در واقع همان نیاز او به پرستش می‌باشد  
و به همین صورت سایر گرایش‌های فطری انسان همان نیازهای مقدس انسانی هستند. در نهایت انسان این  
حقیقت را درک می‌کند که هستی او به طور کامل نیازمند و وابسته است و هیچ استقلالی نه در اصل وجود و  
نه در تداوم آن ندارد. آن که به انسان هستی داده و آن را به صورت مستمر به او اعطا می‌کند موجودی دیگر  
است؛ موجودی که رابطه او با انسان یک رابطه اشراقی است که تمامیت انسان با همه‌ی جنبه‌ها و ابعاد  
وجودی‌اش وابسته به آن موجود و حقیقت برتر است.

### چرا خداوند انسان را نیازمند آفرید؟

نیاز و نیازمندی اقتضاء ذاتی هر موجود ممکن است که در ذات ممکنات از جمله انسان نهفته است. انسان که  
در اصل وجود خود محتاج واجب‌الوجود است، در سایر شئون زندگی نیز به طریق اولی محتاج و نیازمند

۱. مجلسی، ج ۱، ص ۹۵

۲. روم / ۳۰

است. با بهره‌گیری از آیات قرآن یک جهت دیگر از این مطلب که؛ چرا خداوند انسان را نیازمند آفرید کشف می‌شود و آن این‌که اگر خداوند انسان را بی‌نیاز و غنی می‌آفرید، دیگر این انسان هیچ تمایلی به عبودیت و بندگی و ذره‌ای روح اطاعت نسبت به خالق و پروردگار خویش نداشت و به تعبیر آیه کریمه: *كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيْفَىٰ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَىٰ*<sup>۱</sup> همانا انسان طغیان و سرکشی می‌کند اگر خویشتن را بی‌نیاز ببیند.

دلیل دیگر این‌که نتیجه‌ی نیاز ذاتی انسان به خداوند، توحید عملی در ربوبیت است. هر گاه انسان نیاز ذاتی خود را به خداوند دریابد و تنها او را غنی کامل و مالک مطلق بداند، به ربوبیت او گردن می‌نهد و صلاح و کمال خود را تنها به دست او می‌سپارد. از دیگر نتایج نیاز ذاتی انسان به خداوند، ربوبیت تشریحی او در حوزه‌ی اختیار و مسئولیت و آگاهی انسان است. خداوند با دین خود ربوبیت تشریحی خود را بر انسان حاکم می‌کند. انسان به دلیل نیاز ذاتی به خداوند، به این ربوبیت نیازمند است و از آنجا که خدا کمال مطلق است و در افعال و اوامر او نقصی نیست، ربوبیت او کامل و بی‌نقص خواهد بود. بنابراین، دین خداوند که جلوه‌ی ربوبیت تشریحی اوست، به درستی تأمین‌کننده نیازهای واقعی انسان است.

#### همسانی‌ها

هدف از این نوشتار نقد دیدگاه‌های متفاوت و مبانی آن نیست بلکه تنها طرح و بررسی، مقایسه و در نهایت بیان بعضی تفاوت‌ها و شباهت‌ها مطرح نظر است و نقد مبانی در مقاله‌ای دیگر باید به صورت مستقل مورد بحث قرار گیرد. دیدگاه‌های مطرح در باره‌ی نیازهای انسان در روانشناسی دارای کارآمدی و نقاط قوت است که قابل انکار نیست. از سوی دیگر در نظریات بعضی از روانشناسان و دین اسلام قرابت‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها از این جمله است:

از منظر مزلو نیازهای اولیه و مادی که در مراتب پایین‌تر قرار دارند، نیرومندتر، فراگیرتر و تأثیرگذارتر در رفتار انسان هستند و در فرایند رشد نیز زودتر بروز و ظهور دارند. ابتدا باید این نیازها در حد مطلوبی ارضا شده سپس نیازهای عالی‌تر که قوت کمتری دارند، ظاهر شده و ارضا شوند. از نظر اسلام نیز انسان ابتدا ناگزیر از ارضای نیازهای مادی خود است و اگر در رفع آن‌ها تسامح کند، امکان تأمین نیازهای معنوی برای او فراهم نمی‌گردد. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: *اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ، فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صُمْنَا وَلَا صَلَّيْنَا وَلَا أَدِينَا فَرَائِضَ رَبَّنَا عَزَّ وَجَلَّ*<sup>۲</sup>. خداوندا! برای ما در نان برکت قرار ده و بین ما و آن جدایی نینداز. اگر نان نبود، نه روزه می‌گرفتیم، نه نماز می‌خواندیم و نه فریضه‌های پروردگاران را انجام می‌دادیم. سخن معروف «من لا معاش له لا معاد له» نیز ناظر به همین معنا است.

<sup>۱</sup>. علق / ۷-۶

<sup>۲</sup>. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۲۸۷

دیدگاه مزلو با دین در نوع طبقه‌بندی نیازها دارای شباهت می‌باشد. از نظر ملاصدرا فیلسوف برجسته اسلامی انسان‌ها دارای طبقه‌بندی هرمی شکل هستند. انسان در هر جای این هرم امکان خودنمایی دارد. هرچه موجودیت انسان خالص‌تر شود بقیه هستی‌ها از بالا آمدن با او محروم می‌شوند. در هرم او نیز هرچه از کف به رأس نزدیک می‌شویم از جمعیت دارندگان آن نیاز کاسته می‌شود. نیاز زلال‌تر و انتزاعی‌تر شده و توحش به انسانیت ارتقا می‌یابد.<sup>۱</sup>

همسان با دیدگاه اسلام، فرانکل با تأکید بر دوساحتی بودن وجود انسان، روح و اصالت آن را پذیرفته است و امتیاز اساسی او را در بعد روحانی و متعالی معرفی می‌کند. از نظر فرانکل برخورداری انسان از بعد روحی و متعالی، نیازهایی را برای انسان رقم می‌زند که وی ضمن مطرح کردن این نیازها، ارضای صحیح و منطقی آنها را لازمه سلامت و رضایت او در زندگی می‌داند. اما وی با وجود توجه بسیار به این بعد متعالی انسان، از مبدأ و مقصد آن هیچ سخنی به میان نیاورده است.

#### ناهمسانی‌ها

مهمترین تفاوت‌ها میان دیدگاه روانشناسان و دین در موضوع «نیاز انسان» تفاوت‌های مبنایی است. مبنای معرفتی هر مکتبی مهمترین شاخصه‌ی آن مکتب است که بر اساس آن نظریه پردازی می‌کند. مبنای معرفتی روانشناسی به طور عمده تجربی است بر خلاف اسلام که با وجود پذیرش عقل و تجربه، مهم‌ترین مبنای معرفتی خود را بر اساس قرآن و روایات قرار داده است. از دیگر تفاوت‌های مهم مبنایی روانشناسان محوریت انسان و توجه اولیه به انسان در نظرات و عدم توجه مستقیم به بعد الهی انسان می‌باشد؛ مگر توجه به بعد الهی به تبع توجه به بعد انسانی او باشد. در واقع بیشتر مکاتب روانشناسی یا متأثر از دیدگاه‌های اومانسیم می‌باشند و یا متأثر از فلسفه وجودی انسان. لکن نظرات دینی توجه مستقیم به بعد الهی انسان دارد. البته این تفاوت مبنایی در نظرات موری و گلاسر بیشتر از مزلو و فرانکل است. هر چند نظرات فرانکل در باب نیازهای انسانی بیشترین همسانی را با نظرات اسلام دارد اما از باب مثال، «نیاز به معنویت» در نگاه او بدون در نظر گرفتن مضمون دینی به کار رفته و مقصود همان بعد انسانی بشر است؛ یعنی معنا و معناجویی از دل این ویژگی اصیل انسان برآمده و دستیابی به یک زندگی سالم و سرشار از آسایش و آرامش، جز از راه زندگی معنادار حاصل نمی‌شود.

---

۱. صدرالمتألهین، الأسفار العقلیة الاربعه، صص ۵-۱۸۴

## نتیجه‌گیری

از نظرات کاملاً مشترک میان دو دیدگاه (اسلام و روانشناسی)، اصل نیازمند بودن انسان است. اگر چه روانشناسان وجودی، برای انسان به ماهیتی از پیش تعیین شده قایل نیستند، اما از نگاه آنان انسان از ابتدا هم صاحب اختیار است و هم وجودی نیازمند دارد که این دو ویژگی ذاتی انسان است. از منظر روانشناسان فلسفه وجودی، ماهیت انسان دارای سه بعد جسم، روان و روح می‌باشد. از آنجا که بخش فعال وجود انسان، روح است، پس باید به شناخت این بعد اصیل و نیازهای ویژه آن پرداخت. پاسخ معقول و منطقی به این نیازها، بنیان شخصیت سالم را بنا می‌کند و در مشکلات و ناهنجاری‌های رفتاری او نقش مؤثری دارد. از دیدگاه اسلام همه‌ی آفریده‌ها از جمله انسان به فقر ذاتی به خداوند موصوفند، چون در وجود و حیات به او محتاج‌اند و تنها به فیض وجود اوست که هر وجودی تحقق دارد. نیازمندی به خداوند و احساس نیاز به او نیز توسط خداوند در وجود انسان نهادینه شده است. تنها راه رسیدن انسان به خداوند درک منشأ فقر و نیازمندی است و این که تنها به واسطه‌ی او بی‌نیاز خواهد شد. بنابراین در نگاه اسلام نیازهای تکوینی و تشریحی انسان تنها با محوریت خداوند تبیین می‌گردند.

نیازهای انسان به «نیازهای واقعی و نیازهای غیر واقعی» تقسیم می‌گردد. نیازهای واقعی، نیازهایی هستند که از واقعیت‌های عینی نشأت می‌گیرند و مقابل آن نیازهای کاذب است. هدف از زندگی شکوفا شدن استعدادهای بالقوه انسان‌هاست که به دنبال تأمین نیازهایی محقق می‌شود که ما آن‌ها را «نیازهای واقعی» می‌نامیم، و ارضای نیازهایی که نقشی در شکوفا شدن استعدادها ندارند «نیازهای کاذب یا غیرواقعی» خوانده می‌شوند. با توجه به ابعاد روحی و جسمی انسان، دو دسته «نیازهای مادی و معنوی» وجود دارد که یا مربوط به روح و روان انسان هستند یا مربوط به جسم او. نیازهای معنوی که بعد از ارضای نیازهای مادی اساسی بدن ظاهر می‌شوند معیار و ملاک انسانیت شمرده می‌شوند.

از نگاه اسلام نیازمندی انسان به صورت فطری در وجود او نهادینه شده است و در واقع منشأ تمام گرایشات و تمایلات فطری انسان همان نیازهای درونی اوست که سبب پویایی و حرکت در او می‌گردد. از نتایج نیاز ذاتی انسان به خداوند، ربوبیت تشریحی او در حوزه‌ی اختیار و مسئولیت و آگاهی انسان است. خداوند با دین خود ربوبیت تشریحی خود را بر انسان حاکم می‌کند و این دین که جلوه‌ی ربوبیت تشریحی خداوند است، به درستی تأمین کننده نیازهای واقعی انسان است. از نظر اسلام تمام نیازهای حقیقی انسان (مادی و معنوی) باید تأمین گردد. لکن رعایت اعتدال به عنوان یک اصل مهم باید مورد توجه باشد. در این که تأمین کدام نیاز یا کدام طبقه از نیازهای انسان اولویت دارد، در حوزه‌های گوناگون به خصوص برای جامعه‌ی جوان، ابتدا باید نیاز سنجی‌ها به صورت کاربردی و دقیق انجام گیرد و سپس برنامه‌ریزی جامع صورت پذیرد.

## منابع

۱. قرآن کریم.
  ۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *مبایذ اخلاق در قرآن*، مرکز نشر اسراء.
  ۳. راس، آلن ا، ۱۳۸۶، *روانشناسی شخصیت (نظریه ها و فرایندها)*، ترجمه‌ی سیاوش جمال‌فر، نشر روان.
  ۴. راغب اصفهانی، ابی‌القاسم الحسین ابن محمد، بی‌تا، *المفردات فی غریب القرآن*، کتابخانه دیجیتال موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت(ع).
  ۵. شکیباپور، عنایت‌الله، ۱۳۶۳ش، *دائرة المعارف روانشناسی*، نشر فروغی.
  ۶. شولتز، دوان، بی‌تا، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی، سایت همراه دانشجو.
  ۷. شیرازی، صدرالدین محمد (صدرالمآلهین)، ۱۳۶۸ ش، *الأسفار العقلیة الاربعه*، انتشارات مصطفوی، قم.
  ۸. طباطبایی سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
  ۹. فرانکل، ویکتور امیل، ۱۳۸۱، *انسان در جستجوی معنای غایی*، ترجمه‌ی احمد صبوری و عباس شمیم، نشر صدا قصیده، تهران.
  ۱۰. ....، ۱۳۹۷، *انسان در جستجوی معنا*، ترجمه‌ی نهضت صالحیان و مهین میلانی، انتشارات درسا.
  ۱۱. کلینی، یعقوب، ۱۴۲۸، *کافی*، منشورات الفجر، بیروت.
  ۱۲. گلاسر، ویلیام، ۱۳۸۲، *نظریه انتخاب (روانشناسی آزادی شخصی)*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، مؤسسه رسا.
  ۱۳. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار*، المكتبة الشیعه، مصادر الحدیث الشیعه.
  ۱۴. محمدپور یزدی، احمدرضا، ۱۳۸۵، *ویکتور امیل فرانکل بنیانگذار معنا درمانی*، نشر دانژه.
  ۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۷، *اخلاق در قرآن*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
  ۱۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۴، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا.
  ۱۷. ....، ۱۳۹۷، *فطرت*، پایگاه اینترنتی «بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری»
18. Maslow, Abraham, 1970, *Self-Actualizing People: A Study of Psychological Healt.*